



برای دل‌کنندگان از محمد دعای می‌کردم
پای صحبت‌های مادر شهید محمدعلی فشار کیان که خود از زنان فعال پشت‌جبهه‌ها بود



تحول علوم انسانی پروسه یا پروژه؟
نگاهی به مدعای وحشی و مدیریت‌ناپذیر بودن علم



خداحافظی با مدارک کاغذی
دستگاه‌های اجرایی باید استان و مدارک را تبدیل به نسخه الکترونیکی کنند



۵ فیلم ایرانی در جشنواره مسکو

گزارش

فلاخیری

از «شیشلیک» و «چپ، راست» نیست

تکلیف‌اکران برخی فیلم‌ها روشن می‌شود

روح‌الله سهرابی، ۴ ماه است که مدیریت دفتر نظارت بصر عرضه و نمایش فیلم در سازمان سینمایی را عهده‌دار شده، سهرابی حالا بعد از ۴ ماه گزارشی درباره اقدامات انجام‌شده در حوزه نظارت بر عرضه و نمایش فیلم داده است. وی با اعلام اینکه فیلم‌های مانی حقیقی، هومن سیدی و آریین وزیردفتری که راهی جشنواره‌های تورنتو و ونیز هستند، پروانه نمایش گرفته‌اند و از رفع مشکل چند فیلم دیگر از جمله «روشن» و «روح‌الله حجازی، «سه‌کام حبس»، «زنبر کارگر» و «رگ‌های آبی» در آینده نزدیک خبر داده است.

به‌گزارش همشهری، روند رسیدگی و صدور پروانه نمایش بعضی از فیلم‌های سینمایی در ماه‌های گذشته به شکلی پیش رفت که برخی فیلمسازان متقاضی اکران یا با مشکل در گرفتن مجوز روبه‌رو شدند یا اگر هم مجوز داشتند اجازه اکران پیدا نکردند، همین موضوع سبب انتقادهایی در برابر سختگیری‌های شورای پروانه نمایش شد. البته سهرابی در این گزارش درباره بعضی فیلم‌های پربحث و حاشیه‌ای چند ماه اخیر مثل «برادران لیللا»، «شیشلیک» و «چپ، راست» اظهارنظری نکرده است.

به گفته مدیر دفتر نظارت بر عرضه نمایش فیلم، طی ۴ ماه اخیر در اداره کل عرضه و نمایش سازمان سینمایی اقداماتی انجام گرفته که در پاسخ به تقاضاها و توقعات سینماگران بسیار قابل‌تأمل است. وی ادامه می‌دهد: «دستاوردهای مدیریت جدید در شرایطی حاصل شده که سینمای یکی از دوران کرونا و بازگشت به زیست طبیعی سینما و حاشیه‌های پررنگ‌تر از متن همچون حواشی برخی فیلم‌ها، موانع مختلف در تعامل دوسویه بین سازمان سینمایی و برخی صنف، بنیانه‌نویسی و ایجاد اختلاف و شکاف را تجربه کرده است.»

وی همچنین تصریح می‌کند: «این اداره کل بی‌توجه به امور حاشیه‌ای و از اقدامی حرفه‌ای و عملیاتی، در همه زمینه‌های تحت‌اختیار اعم از صدور پروانه نمایش آثار سینمایی و غیرسینمایی، پروانه مالکیت، مدیریت فضایی اکران، نحوه ایجاد تعامل بین سازمان و سینماگران و نظارت بر اقلام تبلیغی دوره شلوغ و پرتراپیکی را طی کرده است.» از دیگر موضوعاتی که سهرابی به آن اشاره کرده، تعداد پروانه نمایش‌های صادر شده است. وی اضافه می‌کند: «با وجود حساسیت‌های موجود مجوز نمایش بیش از ۲۸۸ فیلم سینمایی صادر شده که در میان آنها فیلم‌های حساسیت‌برانگیز و یا متوقف‌مانده‌ای چون «علف‌زار»، «جیوریم» (در حال اکران آنلاین)، «حلاقات خصوصی»، «جنگ جهانی سوم»، «بانک‌ده‌ها»، «انفرادی»، «تفریق»، «ببرویا» و غیره به چشم می‌خورد. همچنین مشکل فیلم‌های بلاتکلیفی چون «روشن»، «سه‌کام حبس»، «زنبر کارگر»، «رگ‌های آبی» و غیره نیز در حال شدن است و به نظر می‌رسد طی یک ماه آینده تکلیف تعداد دیگری از فیلم‌ها که به دلایل مختلف اجازه اکران نداشته‌اند، مشخص شود.»

به گفته سهرابی، طی ۴ ماه اخیر در بخش آثار غیرسینمایی ۱۲۸ عنوان فیلم پروانه نمایش گرفته‌اند، این در حالی است که بیش از ۲۰ عنوان از این ۱۲۸ اثر، از سال‌ها قبل درگیر مشکلات مختلف بوده و به دلایل مختلف اعم از مضمون و محتوا یا عدم همکاری عوامل اصلی جهت انجام اصلاحات، از پروانه نمایش محروم بوده‌اند. صدور پروانه مالکیت فیلم‌ها از دیگر فعالیت‌های اداره کل عرضه و نمایش است که مدیرش به آن اشاره کرده و می‌افزاید: «در طول ۴ ماه اخیر در بخش سینمایی ۵۵ عنوان فیلم و ۵ عنوان غیرسینمایی ۲۵ عنوان فیلم مجموعاً بیش از ۹۰ پروانه اثر مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار گرفته و پس از حسابرسی‌ها و مشخص شدن درصد سهام مالکان حقیقی و حقوقی، پروانه مالکیت آنها صادر شده است.»

وی در ادامه به اعلام رئیس سازمان سینمایی مبنی بر بخشش آن گروه از فیلمسازان که به دلایل موجه، بدون اخذ پروانه ساخت اقدام به ساخت فیلم کرده‌اند، اشاره می‌کند: «۱۲۹ اثر درخواست بازبینی و ارزیابی ارائه کردند که تا زمان آماده‌سازی این گزارش ۱۲ فیلم از آثار مذکور مورد بازبینی و ارزیابی قرار گرفته و آثار تأییدشده جهت تصمیم‌گیری نهایی به شورای پروانه نمایش ویدئویی و سینمایی ارجاع داده شده‌اند.» وی همچنین می‌گوید: «چینش صحیح اکران و ساماندهی بخش فیلم‌های سینمایی که پس از جلسات متعدد و رایزنی‌های مداوم اتفاق افتاد، از جمله فعالیت‌های جدید اداره کل عرضه و نمایش است که در مقطعی که تعداد آثار در انتظار اکران، از هر زمانی بیشتر است، مهم و مؤثر خواهد بود. همچنین جلسات متعدد و مداوم با صاحبان آثار اعجاز تهیه‌کنندگان و کارگردانان در جهت رفع موانع صدور پروانه نمایش، ایجاد تعامل و همکاری نزدیک و دوسویه مابین اداره کل عرضه و نمایش و صاحبان آثار که عموماً منجر به خروج از بن‌بست در باره فیلم‌ها شده است را می‌توان جزو اقدامات ۴ ماه اخیر این اداره کل برشمرد. نظارت بیشتر بر مدیریت سالن‌های سینمایی، نظارت دقیق‌تر بر قانون حضور فیلم‌ها در جشنواره‌های خارجی، نظارت جدی‌تر بر اقلام تبلیغی فیلم‌های در حال اکران و ساماندهی به آیین‌نامه‌های اکران آثار سینمایی و نمایش ویدئویی از جمله فعالیت‌های ۴ ماهه اداره کل نظارت بصر عرضه و نمایش فیلم بوده است.»

قصه دختر مصدق روی صحنه



فیلمنامه مستندآریا در نمایشی از انجمن علمی کماجرایش در دهه ۶۰ می‌گیرد و تکلیف علی‌بنک‌بازار

شیوا مسعودی که بعد از اجرای موفق نمایش «زبان تشک‌های وحشی» کار تازه‌ای اجرا نکرده است، از مدت‌ها پیش در تدارک اجرایی نمایشی تازه شرکت دارد. نمایشی که متن آن را همچون اثر دیگرش، نغمه‌نمینی نوشته و عنوان «دیو جغرافی» را بر آن نهاده است. گروه اجرایی این نمایش بعد از چندسال‌وقفه به‌دلیل بیماری کرونا و انتظار برای پیداشدن سالن‌های اجرای مناسب، تصمیم‌اند بعد از دریافت مجوزهای لازم، این نمایش را در مسلمان اسمال تجربه‌ها در همان نظارت سفت و سخت، قابل مشاهده بود.

فیلمنامه مستندآریا در نمایشی از انجمن علمی کماجرایش در دهه ۶۰ می‌گیرد و تکلیف علی‌بنک‌بازار

هلمشهرت فرهنگ



دفاع فاطمه معتمدآریا از مدیریت فرهنگی دهه ۶۰ و واکنش‌های متفاوتی را به دنبال داشت

در خدمت و خیانت سینمای دهه ۶۰

مسیحود پویا
روزنامه‌نگار

دفاع فاطمه معتمدآریا از مدیریت سینما در دهه ۶۰، داستان آنچه بر سینمای ایران در دهه اول انقلاب گذشت را برای چندمین بار در این سال‌ها تیتیر یک کرد. به صحبت‌های معتمد آریا، که پیشتر هم منفی بود تا مثبت، نشان داد قضاوت درباره تاریخ و گذشته سینمای ایران تا چه اندازه می‌تواند سوءتفاهم‌برانگیز باشد. اما معتمد آریا چه گفته که با این میزان واکنش مواجه شده است. این بخشی از مهم‌ترین صحبت‌های بازگویی است که در دهه ۶۰ به سینما آمد و از دهه ۷۰ به‌عنوان چهره‌ای که به‌صورت توامان مورد توجه مردم و منتقدان بود، جایگاه تثبیت‌شده‌ای یافت:

سال‌های بعد سینما سلیقه‌ای شد. دیگر ما فهمیدیم که هر کسی به اندازه توان خود می‌تواند راه برود. ما نه مدیر دلسوز و نه مدیر بافرهنگی داریم و نه مدیری داریم که بتواند ما را کنترل و راهنمایی کند و بگوید که تو اگر الان به این طرف نروی بهتر است و الا اگر همان کارهای فرهنگی خود را انجام دهی، خیلی خوب است.

سینمای ایران چگونه تغییر مسیر داد؟

آنچه در روزهای اخیر شاهد بوده‌ایم بیشتر واکنش‌های هیجانی بوده تا تحلیل و بررسی صحبت‌هایی که نمی‌شود به‌صورت صفر و صدی تأیید یا تقیح کرد. البته که فضای مجازی جای چندان مناسبی برای تحلیل نیست و حتی کارشناسان و منتقدان هم مثل کاربران عادی، ترجیح می‌دهند همه چیز را در حد چند جمله کوتاه و اظهارنظری معمولاً تند، خلاصه‌کنند، اما فارغ از این فضای هیجانی، صحبت‌های معتمد آریا چند بخش دارد و نمی‌توان همه چیز را یکبارچه دید و قضاوت کرد.

ریل‌گذاری با سینمای حمایتی نظارتی

فخرالدین انوار و سیدمحمد بهشتی سال ۶۲ سکان هدایت سینمای ایران را تحویل گرفتند. تفاوت این تیم با قبلی‌ها این بود که دقیقاً می‌دانستند چه چیزی را نمی‌خواهند. آنها مخالف فیلمفارسی بودند. به تعبیری دقیق‌تر مخالف هر چیزی که تداعی‌کننده سینمای قبل از انقلاب باشد. اگر مدیر قبلی دل به دل چهره‌هایی چون سعیدراد و ایرج‌قادر می‌داد، مدیران تازه نه برای وصل کردن که برای محو کردن آمده بودند؛ محو کردن هر آنچه از گذشته می‌آمد و رنگ شهرت و محبوبیت داشت. پس نقش یک‌ها و ستاره‌ها کنار می‌رفتند، ولی بدم‌ها می‌توانستند در قامت ساواکی به حضورشان ادامه دهند. صحنه خالی بود و در غیبت موج‌نوی‌ها تا میانه‌های دهه ۶۰ به حال در این دوران اکشن‌های هم ساخته شدند که در آنها صحنه‌های خشن هم کم نبودند.

معتمدآریا بعد از این مقدمه بر پیشرفت سینمای بعد از انقلاب تأکید کرده؛ پیشرفتی که محصول محدودیت‌ها بوده و عناصری که جایگزین آن شده است. در واقع معتمدآریا از سینمای «شریف و انسانی» ایران دفاع کرده است. درباره تغییر سیمای فضای فیلمسازی در ایران و چگونگی انجام این فرایند، حرف و حدیث بسیار است، اما در اینکه سینمای پس از انقلاب با مضامین انسانی‌اش توانست اعتبار جهانی بیابد، تردیدی وجود ندارد. در مورد میزان استقبال مردم هم آمار فروش فیلم‌ها موجود و در دسترس است و مقایسه‌شان با وضعیت امروز حکم به برتری دهه ۶۰ می‌دهد. سینمای دهه ۶۰ بر ویرانه‌های سینمای قبل از انقلاب برپا شد. تزلزل مدیریت و بحران مشروعیت، سینما را دچار بلاتکلیفی کرده بود. هنوز چهره‌های نسل تازه به میدان نیامده بودند و قدیمی‌ها هم اغلب یسار رفته بودند یا در وضعیت بلاتکلیفی به‌سر می‌بردند. در ابتدای دهه ۶۰ از سینمای فارسی بقایایی برجا مانده بود که همچنان می‌خواستند فیلم بسازند، ولی چه و چگونه‌اش را با قواعد و ضوابطی که مدام تغییر می‌کرد، نمی‌توانستند

فراپی تاسیس شد. تعاونی‌های فیلمسازی با

حمایت دولت به راه افتادند. سینمای ایران باید راه می‌افتاد و باید بحران مشروعیت را پشت‌سر می‌گذاشت. قصه سینمای هدایتی - حمایتی - نظارتی از همین جا شروع شد. فیلمساز به شرط نظارت و هدایت، حمایت می‌شد. وام تبصره ۱۲، امکانات فراپی، دوربین، تانگو، میز تدوین و حمایت در اکران چرخ تولید را به راه انداخت. سینمای پس از انقلاب شکل گرفت و از همان گام اول وابسته به دولت دولتی شد. احتمالاً چاره‌های هم نبود و راه دیگری وجود نداشت. مدیریت منسجم دهه ۶۰ بر اساس برنامه و چشم‌اندازی که ترسیم می‌کرد، کار را جلو می‌برد و برنامه سال‌های ۶۲ تا ۶۴ این بود: ابتدا باید سینما وجود داشته باشد، فیلم ایرانی تولید و در مرحله اکران حمایت شود و کنارش کارگردان و تهیه‌کننده وارد چرخه تولید، فیلمبردار و تدوینگر هم تربیت شوند. بازیگر هم می‌تواند از تئاتر بیاید.

رانداندازی سینمای ایران مهم‌ترین دستاورد تیم انوار - بهشتی، پاسخش را در اکران پرورق سال ۶۴ گرفت. در فاصله کمتر از ۴ ماه «تاراج»، «عقاب‌ها»، «گل‌های داوودی» و «دل چهره‌هایی چون سعیدراد و ایرج‌قادر» می‌داد، مدیران تازه نه برای وصل کردن که برای محو کردن آمده بودند؛ محو کردن هر آنچه از گذشته می‌آمد و رنگ شهرت و محبوبیت داشت. پس نقش یک‌ها و ستاره‌ها کنار می‌رفتند، ولی بدم‌ها می‌توانستند در قامت ساواکی به حضورشان ادامه دهند. صحنه خالی بود و در غیبت موج‌نوی‌ها تا میانه‌های دهه ۶۰ به بازی گرفته نشدن و با حذف فعالان سینمای فارسی، جوان‌ها به میدان آمدند و در رأس‌شان فعالان سینمای آزاد که از فیلم کوتاه سوپر ۸ و نهایتاً ۱۶ میلی‌متری به سینمای حرفه‌ای رسیدند؛ از کینوتوش عیاری و مهدی صباغ‌زاده تا مجید جوانمرد و ناصر گلامرزایی. در سوی دیگر حوزه هنری ایستاده بود که شاخص‌ترین چهره‌اش ایده سینمای اسلامی را دنبال می‌کرد.

فراپی تاسیس شد. تعاونی‌های فیلمسازی با

حمایت دولت به راه افتادند. سینمای ایران باید راه می‌افتاد و باید بحران مشروعیت را پشت‌سر می‌گذاشت. قصه سینمای هدایتی - حمایتی - نظارتی از همین جا شروع شد. فیلمساز به شرط نظارت و هدایت، حمایت می‌شد. وام تبصره ۱۲، امکانات فراپی، دوربین، تانگو، میز تدوین و حمایت در اکران چرخ تولید را به راه انداخت. سینمای پس از انقلاب شکل گرفت و از همان گام اول وابسته به دولت دولتی شد. احتمالاً چاره‌های هم نبود و راه دیگری وجود نداشت. مدیریت منسجم دهه ۶۰ بر اساس برنامه و چشم‌اندازی که ترسیم می‌کرد، کار را جلو می‌برد و برنامه سال‌های ۶۲ تا ۶۴ این بود: ابتدا باید سینما وجود داشته باشد، فیلم ایرانی تولید و در مرحله اکران حمایت شود و کنارش کارگردان و تهیه‌کننده وارد چرخه تولید، فیلمبردار و تدوینگر هم تربیت شوند. بازیگر هم می‌تواند از تئاتر بیاید.

شما چگونه ستاره شدید؟
سوالی که این روزها زیاد از معتمدآریا پرسیده شده این است: «شما چگونه ستاره شدید؟» در پاسخ هم معمولاً به حذف بازیگران در دهه ۶۰ اشاره می‌شود. داستان ممنوع‌الکاری‌های سینمای دهه ۶۰ ماجرای طولانی و مفصل است که همچنان جای بررسی و بازخوانی دارد. واضح است که فاطمه معتمدآریا یکی از بازیگران شاخص سینمای ایران در سال‌های بعد از انقلاب بوده و کیفیت کارش به‌عنوان بازیگر، ربطی به اظهار نظر‌ها و مصاحبه‌هایش ندارد؛ ستایش از سینمای دهه ۶۰ چیزی از هنر بازیگری معتمد آریا می‌کاهد و نه چیزی به او اضافه می‌کند. به شکلی طبیعی نسلی که معتمد آریا نمایندگی‌اش می‌کند در دهه ۶۰ امکان ورود به سینمای ایران را یافت و در این دوران بالید و رشد کرد. یکی از بااستعدادترین چهره‌های سینمای بعد از انقلاب، پس از حذف و کنار رفتن چهره‌های چون سوسن تسلیمی، به شهرت و اعتبار رسید. در مورد سوسن تسلیمی هم نمی‌شود انکار کرد که حذفش ربطی به جمهوری اسلامی نداشت و صرفاً بر‌خوردهای سلیقه‌ای مدیریت فرهنگی دهه ۶۰ باعث شدند تسلیمی نامید شود و در نهایت تن به مهاجرت دهد. وقتی در مورد سینمای دهه ۶۰ حرف می‌زنیم باید همه ابعادش را در نظر بگیریم. از ستایش و نکوهش محض، از تحلیلی که بشکود به آن استناد کرد، بیرون نمی‌آید.



فاطمه معتمدآریا در نمایشی از فیلم مسافران بیضایی